

معانی کلمات حج



نگرشی کوتاه به اسرار حج



کلمه «حج» و عناوین «مناسک حج» خود گویای محتوای والای این فریضه الهی پر راز و رمز و آکنده از اشاره و کنایه است. حج این لفظ کوتاه و خوش آهنگ که به معنای آهنگ و عزم و تصمیم است، معنایی به بلندای تاریخ معنوی بشر دارد. تاریخ معنوی که نظام بخش زندگی اجتماعی، سیاسی جامعه انسانی، بر محور حق و عدل است. حج که در يك نگرش کلی از عناصر سکون و تأمل و تدبر و تفکر و حرکت و تلاش و بیکار ترکیب یافته، دارای اشاراتی جامع و فراگیر به سنن جاری پروردگار در تکوین و تشریح است. زبان حج، «سمبولیک» است و اعمال آن، به تعبیری خودمانی‌تر به «پانتومیم» پرمحتوایی می‌ماند که می‌تواند حکایت‌گر و تجسم‌بخش تاریخ انبیاء و نشأت دنیا و نشأت آخرت باشد. حج، این فریضه رمزوار و اشارت شعار، از زوایای گوناگون و با دیدهای متفاوت از سوی نویسندگان، بچّانان و تحلیل‌گران از لحاظ «فردی و اجتماعی»، «عبادی و سیاسی»، «اجتماعی و نظامی» و «بین‌المللی و جهانی» مورد بحث و تحلیل قرار گرفته است که پاره‌ای نسبتاً جامع و پاره‌ای تک‌بعدی و با دیدی يك جامعه است. نکته اصلی شایان دقت و توجه این است که اگر حاجی به «خود» نپردازد و از «خودبینی» رها نشود و به «تزکیه» و «تصفیه» همت نکند، و به رموز و اسرار «حج» دست نیابد و از «احرام» تا تقصیر و طواف نساء، خود را نهالاید و از لوث ردایل و پلیدی‌های اخلاقی و روحی پاکیزه نشود، به هیچ يك از مقاصد چندگانه حج دست نخواهد یافت. آنچه در تحلیل‌های يك‌سویه، از آن غفلت شده است، جامعیت حیرت‌انگیز و احياناً متناقض نمای حج است که زهدگرایان عبادت پیشه خسته از دنیا، و اجتماع و سیاست را از يك جنبه‌اش غافل می‌سازد و سیاست‌پیشگان و دست اندرکاران اداره جوامع اسلامی را، از جنبه دیگرش .

از این رو، در این مقال کوتاه سعی بر آن است که در نهایت اجمال به جامعیت حج اشاره‌ای گذرا شود که البته اهل فضل و اطلاع، بدین مختصر بسنده نخواهند کرد و بلکه در تصحیح و تکمیل و تشریح آن خواهند کوشید.

حج را می‌توان از يك دیدگاه گردهم‌آینی پاکان و نیکان، وارستگان معنویت‌گرا و از دنیا رستگان آخرت‌گرا بشمار آورد. اجتماعی به پاک‌ی قدوسیان ملأ اعلی و فرشتگان عالم بالا، که در «اشهر معلومات» بر گرد اولین خانه‌ای که برای «همه مردم جهان» نهاده شده فرا گردهم آیند و اقیانوسی جوشان و خروشان پدید آرند که هر فرد حاجی، قطره‌ای از این دریاست. در این گردهم‌آینی حاجیان از آن دم که به نیت حج، از خانه و دیار و همه پیوندهای دنیائی می‌گسلند، تا آنگاه که در میقات احرام برمی‌بندند، تا طواف، تا وقوف، تا رمی، تا ذبح ... همه جا و همه جا، خدا را می‌جویند و در طلب وصال اویند.

مناسک حج یکایک تبلور حالات گوناگون انسان خداجوی عاشق پیشه بیقراری است که کو به کو، رو به سوی او دارد و نشان از او می‌جوید و بوی او می‌بوید ... عاشق از فراق معشوق بجان آمده‌ای که عنان اختیار از کف فرو هشته، در راه وصال یار، گاهی با تأمل و قرار و گاهی با اضطراب و بی‌قرار به این سو و آن سو می‌رود، در کوه و بیابان، شب و روز، آرام نمی‌گیرد و همه جا نشان از بی‌نشان می‌خواهد.

حج در يك نگرش عمیق‌تر، صعود انسان است در برابر هیبوط تاریخی او و تسالم و تعاون بقاست در برابر تنازع بقای ریشه‌دار و پر ماجرای انسان.

حج در این نگرش، يك سیر معنوی انسانی است که يك جا و يك زمان توسط انسان‌هایی فراهم آمده از چهارسوی جهان به مقصد تقرب به مبدأ، والای آفرینش صورت می‌پذیرد.

حج از این دیدگاه، کنگره مخلصین و متقین و صالحین و عابدین و قانتین روی زمین است.

مجامع و کنگره‌های جهانی و بین‌المللی، به اشکال گوناگون و بر محورهای مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی، تاریخی، ادبی، هنری (و حتی دینی) بسیار فراوان است. اما کنگره «توحید» و «اخلاص» و «عبادت»، کنگره «دعا» و «مناجات»، کنگره مجاهده با نفس و بریدگی از دنیا و تمرین آمادگی برای سفر آخرت، کنگره تمرین سیر الی الله و مجاهده و مراقبه و مکاشفه، در هیچ کجای دنیا نیست. کنگره‌ای که «فرد» و «جمع» را در یکدیگر ذوب می‌کند: عمل فردی را در فضای جمعی و فضای جمعی را در عمل فردی محو می‌کند بدان گونه که هر «حاجی» در ایام حج، در اندیشه خویشتن‌یابی و حدیث نفس و راز و نیاز و تصفیه باطن خویش است، کاری که همانند رهبانیت راهبان از خلق گسسته نیاز به خلوت و تنهایی و جدایی از خلق دارد ... و در عین حال، فردیت هر فرد، در جای، جای موافق عظیم حج و با شکوه‌تر از همه، در عرفات، در کل جمع نابود می‌گردد ... این محو «فردیت» در کار «جمعی» در تخطیط خطوط سیاسی اجتماعی و جمع کل امت عظیم اسلامی نیز صورت می‌گیرد.

حج، از نگرش دیگر، بازساخت عرصات قیامت است، مجسم‌سازی حشر خلق، همه یک‌سو و بی‌هیچ امتیاز، روی به سوی بهشت یا جهنم، حشری عظیم در پهنه دنیا که نمونه‌ای کوچک از حشر اکبر در سرای آخرت است.

حج، از سوی دیگر نشان از ژرفای تاریخ نورانی انبیا و اولیای الهی دارد ... از آدم، نوح، ابراهیم، سلیمان، موسی، عیسی، محمد و اصحاب و آل محمد، در حج، تاریخ پرخطر و مخاطره انبیای الهی و اولیای خدا بازسازی و بازنگاری می‌شود. حج، در این نگرش بازنگاری تاریخ انبیا است.

حج نمایشی است از اعمال و رفتاری که بنا به نقل کتاب و سنت، (و از طریق برادران شیعه و سنی) پایه تشریح آن در زمان آدم ابوالبشر گذاشته شده و پیامبران بعدی تا آخرین پیامبر، همگی بر گرد همین خانه چرخیده‌اند و مناسکی در همین سرزمین مقدس، در همین عرفات و مشعر و منا انجام داده‌اند.

حج، به ویژه ناظر بر بازسازی، تجدید نظام سازمان فرو پاشیده توحید توسط ابوالانبیاء حضرت ابراهیم خلیل است که به نقل قرآن قواعد بیت را بالا برد و خانه را برای طائفان و عاکفان و راکعان و ساجدان، پاکیزه و مطهر ساخت، فداکاری‌ها و گذشت‌ها و ایثارها و سخت کوشی‌ها و هیجان‌ات روحی و بیم و امیدهای ابراهیم و هاجر و اسماعیل در یکایک مناسک حج به گونه‌ای که بدان اشاره

خواهد رفت بازنگاری می‌شود و در حقیقت، ابراهیم قهرمان توحید، در کل قالب مناسک حج و به توسط میلیون‌ها حاجی عاشق و شیدا هر ساله چهره‌پردازی می‌شود و حیات مجدد می‌یابد.

به یاد داشته باشیم که ابراهیم پدر انبیای توحیدی: موسی و عیسی و محمد است و از میان سه امت موحد و اهل کتاب جهان یعنی یهود و نصاری و مسلمین، تنها امت اسلام و مسلمین جهانند که پاس پیشوای توحید را این چنین در خور مقام ارجمند او می‌دارند و یاد گرامیش را نه تنها در گفتار که در مناسکی عظیم و پرشکوه نگه می‌دارند.

در حج به آدمی می‌آموزند که در راه زندگی پرافتخار و انسانی و اسلامی باید از دیار و مال و زن و فرزند و همه علقه‌های زندگی برید و سختی سفر و بی‌خوابی و دوندگی و اضطراب و دربدری و بی‌خانمانی را تحمل کرد و هر چه را که موجب خودآرایی و به خود بستگی است از لباس و زیب و زیور باید از خود دور ساخت و باید تنها به مبدأ لایزال، پاسخ مثبت داد و دعوت‌های گوناگون را نشنیده گرفت و باید بر محور حق و عدل چرخید و در زندگی، محور و مقصدی جز طهارت و پاکی و راستی و درستی نداشت و باید وقوف و تأمل را با سیر و حرکت در هم آمیخت که سکون‌ها و تأمل‌ها و توقف‌ها، هم باید حرکت آفرین باشد و حرکت‌ها و تلاش‌ها و فعالیت‌ها همه، مبتنی و متوقف بر تأمل و پیش‌بینی و حساب و کتاب ... که «تأمل بی‌حرکت» و «حرکت بی‌تأمل» هر دو آفت دین و دنیای انسان است.

حج، از جنبه دیگر، يك آموزش تمرینی همه جانبه و یا به اصطلاح معمول و مرسوم، يك «مانور» جامع الاطراف سیاسی - عقیدتی، نظامی برای تحریک روح حماسی و زنده ساختن غیرت و حمیت دینی و اسلامی در جامعه اسلامی است. آیا منظور از مانورهای نظامی یا آموزش‌های تمرینی‌ای که برای نجات غریق یا اطفای حریق و یا برای مقابله با حوادث و سوانح گوناگون هوایی، زمینی و دریائی گسترده یا محدود صورت می‌گیرد، چیست؟ در يك مانور نظامی یا يك عملیات نجات، صحنه کاملاً فرضی و از پیش ساخته است، اما اگر همین تمرین محدود و چند روزه انجام نگیرد، کارآیی نظامی و آمادگی رزمی و چستی و چالاکي و سرعت انتقال و سرعت تصمیم و سرعت عمل که لازمه این گونه فعالیت‌های حیاتی مهم و سرنوشت‌ساز است، پیدا نخواهد شد و این است نقش حج در ترسیم راه و رسم زندگی و تخطیط خطوط حیات فردی و اجتماعی انسانی که آکنده است از کار، پیکار، تلاش و پیگیری ... و ملازم است با کفّ نفس و خویش‌ن‌داری و مخالف است با تن‌آسانی و راحت طلبی و تن‌پروری . حج، يك تمرین است، يك مانور است يك آموزش چند روزه است برای آماده‌سازی فرد تا در پهنه زندگی برای پیکاری بی‌امان، تمرین دیده و آموزش دیده باشد .



در حج به آدمی می‌آموزند که در راه زندگی پرافتخار و انسانی و اسلامی باید از دیار و مال و زن و فرزند و همه علقه‌های زندگی برید و سختی سفر و بی‌خوابی و دوندگی و اضطراب و دربدری و بی‌خانمانی را تحمل کرد و هر چه را که موجب خودآرایی و به خود بستگی است از لباس و زیب و زیور باید از خود دور ساخت و باید تنها به مبدأ لایزال، پاسخ مثبت داد و دعوت‌های گوناگون را نشنیده گرفت و باید بر محور حق و عدل چرخید و در زندگی، محور و مقصدی جز طهارت و پاکی و راستی و درستی نداشت و باید وقوف و تأمل را با سیر و حرکت در هم آمیخت که سکون‌ها و تأمل‌ها و توقف‌ها، هم باید حرکت آفرین باشد و حرکت‌ها و تلاش‌ها و فعالیت‌ها همه، مبتنی و متوقف بر تأمل و پیش‌بینی و حساب و کتاب ... که «تأمل بی‌حرکت» و «حرکت بی‌تأمل» هر دو آفت دین و دنیای انسان است.

در حج، در روزهای اندک، این مراحل را به انسان می‌آموزند که سرمشق همه زندگی او در سراسر دوره زندگی باشد.

حج، از نگرش دیگر، بازساخت عرصات قیامت است، مجسم‌سازی حشر خلق، همه يك سو و بی‌هیچ امتیاز، روی به سوی بهشت یا جهنم، حشری عظیم در پهنه دنیا که نمونه‌ای کوچک از حشر اکبر در سرای آخرت است. حج، يك تمرین است، يك مانور است يك آموزش چند روزه است برای آماده‌سازی فرد تا در پهنه زندگی برای پیکاری بی‌امان، تمرین دیده و آموزش دیده باشد.

... جدایی از خانه و کاشانه، در این نمایش به «مرگ» می‌ماند که سرفصل حیات اخروی است و موافق و مناسک حج، یکایک نشان از موافق عبد در برابر مولی در روز قیامت دارد که سرانجام آن «رد» یا «قبول» است؛ فریق فی‌الجنة و فریق فی‌السعیر. حاجی با این توجه، و در این نگرش، پیوسته در التهاب است و در میان بیم و امید که رو به کدام سو دارد و در چه فریقی است؟ چون پاره‌ای از حاجیان را نیز چون مبعوثان حشر، به سوی دوزخ می‌برند و نتیجه حج‌شان جز خسران و تباهی نخواهد بود ... شرح موافق حج و موافق قیامت و تطبیق رسا و زیبای این موافق با یکدیگر به مقالی دیگر نیاز دارد و در اینجا همین اشاره کافی است؛ اشاره‌ای که برای مرگ آگاهان بیداردلی که، پیوسته در اندیشه سرای آخرتند و به قول قرآن مجید از «سوء حساب» و «سوء دار» می‌ترسند، بسنده است.

و بالاخره حج در يك نگرش عمیق‌تر، صعود انسان است در برابر هیوط تاریخی او و تسالم و تعاون بقاست در برابر تنازع بقای ریشه‌دار و پرمآجرای انسان.

این نگرش، تأملی درخور را می‌سزد و لذا لختی در این مرحله درنگ می‌کنیم. سقوط و هیوط آدمی از آنجا آغازید که بشر به حکم نیاز طبیعی و فطری به سوی ضروریات زندگی دست یازید و طبیعت را برای ادامه «زندگی» به استخدام گرفت. این استخدام طبیعت، به زودی، آدمی را فریفته طبیعت کرد و خیال افزون‌جویی او را بر آن داشت که زیاده طلبد و این آغاز هیوط آدمی بود. و این کار را نه در آغاز که کم‌کم، با درگیری و مبارزه با هم‌نوعان خود دنبال کرد و هیبوطی مضاعف یافت ... «الهاکم التکائر...» و همین يك نکته منشأ همه جنگ‌های طولانی و خانمان‌سوز بشر در طول تاریخ پرفراز و نشیب اوست.

حج، از جنبه دیگر، يك آموزش تمرینی همه جانبه و یا به اصطلاح معمول و مرسوم، يك «مانور» جامع الاطراف سیاسی - عقیدتی، نظامی برای تحریک روح حماسی و زنده ساختن غیرت و حمیت دینی و اسلامی در جامعه اسلامی است. و اما حج، آموزش و آزمایش موقت و نمونه‌وار نیست که بشر را به کنترل نیروهای زیاده طلب و افزون خواه او وامی‌دارد تا برای همه عمر از این آموزش محدود، سود جوید.

این نگرش نیز به حج به عنوان يك مکتب سازنده و نیرومند اخلاقی و معنوی می‌نگرد که با تهذیب نفس و تزکیه اخلاق و بازسازی روحی انسان، او را از آلودگی‌های روحی و آز و طمع و تفاخر و تکاثر و نکال می‌رهند و از هیبوط و سقوط نجاتش می‌دهد و او را به طرف بالا می‌آورد و اوج می‌دهد.

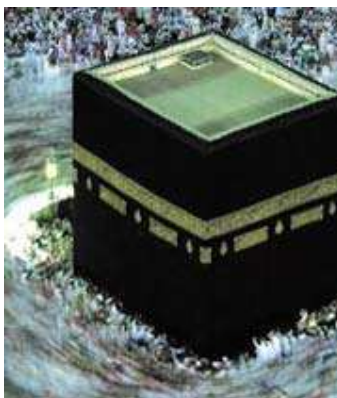
این اوج متعالی انسانی گرچه در محتوای خود، اخلاقی و عرفانی و عبادی است اما برای صاحب نظران روشن است که همین محتوای روحانی و اخلاقی و معنوی، پایه و مایه اصلی پیروزی انسان در جبهه‌های مختلف زندگی اعم از سیاسی، نظامی، اقتصادی و ... است.

حج از سوی دیگر - در يك مقیاس بلندمدت چنان که بسیار گفته شده است - تمرین است برای تأسیس حکومت جهانی واحد و برداشتن مرزهای جغرافیایی و اداره جوامع بشری تحت يك حاکمیت عادل و دانا و توانا و چنان که می‌دانیم حاکمیت واحد جهانی ایده بسیاری از متفکران و جامعه‌شناسان و سیاستمداران و فلاسفه جهان است. هر چند تحقق چنین ایده‌ای در قرون حاضر که شاید بتوان اواخر دوران بلوغ بشریش نامید، میسر نیست ولی تحقق ایده‌های الهی و پیاده شدن آرمان‌های والا و آسمانی، با کل تاریخ بشری سنجیده و مدت‌گزار می‌شود. از این رو، نمایش وحدت سیاسی اجتماعی بشرهای چهارگوشه جهان در مراسم حج، خود، یکی از عوامل تحقق‌بخش نهانی این وحدت خواهد بود.

حج، به ویژه ناظر بر بازسازی، تجدید نظام سازمان فرو پاشیده توحید توسط ابوالانبیاء حضرت ابراهیم خلیل است که به نقل قرآن قواعد بیت را بالا برد و خانه را برای طائفان و عاکفان و راکعان و ساجدان، پاکیزه و مطهر ساخت، فداکاری‌ها و گذشت‌ها و ایثارها

و سخت کوشی‌ها و هیجانات روحی و بیم و امیدهای ابراهیم و هاجر و اسماعیل در یکایک مناسک حج به گونه‌ای که بدان اشاره خواهد رفت بازنگاری می‌شود و در حقیقت، ابراهیم قهرمان توحید، در کل قالب مناسک حج و به توسط میلیون‌ها حاجی عاشق و شیدا هر ساله چهره‌پردازی می‌شود و حیات مجدد می‌یابد.

حج در يك مقیاس محدود و کوتاه‌مدت، نیز در کار آن است که مسائل و مشکلات جامعه اسلامی را در روابط داخلی و خارجی در زمینه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی مورد بحث و بررسی قرار دهد و برای مقابله با دشمنان سوگند خورده و دیرینه اسلام و مسلمین، طرح‌هایی بریزد و دست اندرکاران اداره جوامع اسلامی و نیز صاحب نظران و متفکران و مصلحان و مورخان و جامعه شناسان و سیاستمداران و عالمان دینی و رهبران مذهبی از چهارسوی جهان در مراسم حج فراگرد هم آیند و در ضمن تجدید عقد اخوت اسلامی و تحکیم مراتب مودت و محبت و آشنائی روز افزون به روحیات و اخلاقیات و آداب و مراسم و افکار و عقاید و نظرات و طرح‌ها و پیشنهادهای گوناگون و با بحث و بررسی و مشاوره و مذاقه به صورت دسته جمعی و هم آهنگ و با توجه به همه مقتضیات و تحولات عصر، راه‌حل‌های مناسب و جامع و مرتبط بیابند و در بازگشت به مراکز اصلی و وطن‌های خود، دست آوردهای خود را از این سفر پربرکت به اطلاع مردم خودشان برسانند و از دیگر مطلعان و صاحب‌نظران که در کشورهای مختلف اسلامی اقامت دارند و نیز مسلمانانی که در سایر کشورهای غیر اسلامی جهان پراکنده‌اند، نظرخواهی کنند و این پیوند و کسب اطلاع و مرآوده و مطالعه و بررسی دسته جمعی را سازمان‌دهی کنند و برای آن نظم و ترتیب و سیاق شناخته شده و مقبول برقرار دارند ... تا بدین‌سان، هم روابط بین‌المللی اسلامی تقویت گردد و هم راه برای وحدت آینده و آرمانی جهان اسلام هموار شود.



حج در عین حال و با حفظ همه این جهات معنوی و سیاسی و اجتماعی، يك زاویه دیگر نیز دارد و آن «رویه اقتصادی» حج است. حج در این دیدگاه يك بازار مکاره بین‌المللی اسلامی است. رشد اقتصادی کشورهای اسلامی در گرو تبادل فرآورده‌های صنعتی و دست آوردهای علمی و محصولات کشاورزی آنهاست. اگر هر کشور اسلامی، در داخل خود محبوس بماند و رشته مبادلات اقتصادی با سایر کشورهای اسلامی سست و گسسته گردد، یا عقب خواهد ماند و یا به صورت «قمر» یکی از قدرت‌های اقتصادی جهان درخواهد آمد. حج، در صورت فعلی، البته، از جنبه اقتصادی، آنگونه که باید با آرمان اقتصادی اسلامی هم آهنگ نمی‌نماید و بیشتر نمایشگاه و فروشگاه و تجارتگاه کشورهای غیر اسلامی است. اما این عارضه‌ای است مربوط به کل مشکلات سیاسی تاریخی موجود در جهان اسلام و ربطی به حج ندارد. حج، خود، يك باشگاه اقتصادی بین‌المللی اسلامی است که بدون شک در تسریع رشد اقتصادی و خودکفائی صنعتی و علمی و کشاورزی دنیاى اسلام نقش قاطع و تعیین کننده دارد.

حج، از سوی دیگر نشان از ژرفای تاریخ نورانی انبیا و اولیای الهی دارد ... از آدم، نوح، ابراهیم، سلیمان، موسی، عیسی، محمد و اصحاب و آل محمد، در حج، تاریخ پرخطر و مخاطره انبیاى الهی و اولیای خدا بازسازی و بازنگاری می‌شود. حج، در این نگرش بازنگاری تاریخ انبیا است.

و با همه آنچه گذشت، حج عملاً تجربه يك عمل بهداشتی درمانی برای تأمین سلامتی افراد است! چه بدون شك، مسافرتی این چنین متحرك و جاندار و با روح، علاوه بر آن که بر اثر جوش و خروش و تحرك فراوان، بسیاری از سموم بدن را دفع می‌کند و گردش خون را تنظیم می‌کند و به فعالیت قلب و مغز و اعصاب كمك می‌رساند، نشاط و روح و معنای حج که حاجی را در يك فضای معنوی سازنده و خلاق قرار می‌دهد و صفای جان و آرامش دل حاکم بر فضای معطر حج، به تندرستی آدمی كمك می‌کند. این نکته را همه کسانی که به این سفر پاك و مطهر توفیق یافته‌اند تجربه کرده‌اند.

سخن کوتاه: حج هم «رهبانیت اسلام» است هم «قوام دین و دنیا»، هم «منافع» است، هم «ذکر خدا». هم «عبادت» است، هم «سیاست»، هم «سیاحت» است، هم «زیارت»، هم «اقتصاد» است، هم تندرستی. هم «فرد» است، هم «جامعه». هم «ماده» است، هم «معنا». هم «دنیا» است، هم «آخرت»، مثل خود عالم، مثل خود آدم که ترکیبی دوگانه‌اند از جسم و روح و تن و جان!

و نکته اصلی شایان دقت و توجه این است که اگر حاجی به «خود» نپردازد و از «خودبینی» رها نشود و به «تزکیه» و «تصفیه» همت نکند، و به رموز و اسرار «حج» دست نیابد و از «احرام» تا تقصیر و طواف نساء، خود را نهالاید و از لوث رذایل و پلیدی‌های اخلاقی و روحی پاکیزه نشود، به هیچ يك از مقاصد چندگانه حج دست نخواهد یافت.

حج را می‌توان از يك دیدگاه گردهم‌آبی پاکان و نیکان، وارستگان معنویت‌گرا و از دنیا رستگان آخرت‌گرا بشمار آورد. اجتماعی به پاکی قدوسیان ملاً اعلی و فرشتگان عالم بالا، که در «اشهر معلومات» بر گرد اولین خانه‌ای که برای «همه مردم جهان» نهاده شده فرا گردهم آیند و اقیانوسی جوشان و خروشان پدید آرند که هر فرد حاجی، قطره‌ای از این دریاست. در این گردهم‌آبی حاجیان از آن دم که به نیت حج، از خانه و دیار و همه پیوندهای دنیائی می‌گسلند، تا آنگاه که در میقات احرام برمی‌بندند، تا طواف، تا وقوف، تا رمی، تا ذبح ... همه جا و همه جا، خدا را می‌جویند و در طلب وصال اویند.

نه در سیاست و نه در اقتصاد و نه در جبهه جهاد با دشمن و نه در اقتصاد و نه در تبادل افکار ...، در هیچ کدام، زیرا تا انسان بر دشمن درونی خود یعنی «نفس» که در هر فرد انسانی به کار دشمنی با الله و مظاهر الله و راه مستقیم الله مشغول است، پیروز نشود، پیروزی بر دشمن بیرونی یعنی تبلور و تجسم و تجمع همان نیروهای ضد الهی که در نفسانیت هر کدام از خود ماها نیز هست، پیروزی واقعی نیست، که دشمن، از درون خود ما، سر برمی‌دارد. در حقیقت هر کدام از ما، در خود يك ستون پنجم از لشکر دشمن داریم! که همان «خودپرستی» و نفسانیت «ما» و «من» ماست. اگر این ستون پنجم که به تعبیر دقیق‌تر، ستاد فرماندهی اصلی دشمن است، نابود نشود، انسانیت، هیچگاه از شر دشمن رهایی نخواهد یافت.

غرض آن که اهمیت دادن به جنبه والای معنوی حج و تکیه بر زوایای عرفانی و آخرت‌گرایانه و معانی و رموز و اشارات و سیر و سلوک مستتر در حج، نباید مانع از نگرش جامعه شناسانه، و سیاست‌گرایانه و جنبه‌های دنیایی و فواید سیاسی و اجتماعی حج باشد.

منبع:

مجله میقات حج، شماره 1، محمد جواد حجتی کرمانی.

TeByAn.net
www.tebyan.net